

گزارش

ایران میان روحانی و رئیس، آیا چیز جدیدی هست؟

12 سپتامبر 2021



RASANAHA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies

مقدمه

با به پایان رسیدن دوره دولت روحانی، اینک دولت ابراهیم رئیسی مسئولیت را در اختیار می گیرد. این در حالیست که در محافل سیاسی، درباره اینکه دولت رئیسی تا چه اندازه می تواند چالشهای موجود را مهار کند، گمانه زنی های متفاوتی وجود دارد. روحانی اندکی پیش از اینکه قدرت را تحویل دهد، در تاریخ ۲ اوت ۲۰۲۱ میلادی در آخرین صحبت های خود فرصت را مغتنم شمرده و دولت خود را از اوضاعی که هم اینک کشور را درگیر خود کرده، تبرئه کرد. او همچنین، از برخی دستاوردهای دولتش که رژیم از عمد آنها را پنهان می کند نیز سخن گفت. در عین حال، ابراهیم رئیسی رئیس جمهور تازه، در سخنرانی مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری خود که در تاریخ ۳ اوت ۲۰۲۱ میلادی در حسینیه امام خمینی در تهران برگزار شد، به موضوع چالش های اساسی کشور اشاره کرد که این روزها افکار عمومی داخل و خارج از ایران را به خود مشغول داشته است که از مهمترین این چالش ها، بحران اقتصادی و موضع کشور در قبال مذاکرات هسته ای است. آنگونه که از سخنان هر دو رئیس جمهور پیشین و فعلی بر می آید، دیدگاه و برنامه کاری که هر کدام از این تیم ها برای مقابله با این چالشها دارند تفاوت اساسی با یکدیگر دارد.

این جستار در صدد است گفتمان ابراهیم رئیسی و حسن روحانی را در پرتو تحولات داخلی و خارجی به خوانش بگیرد تا ضمن تبیین اختلاف روشهای این دو، راهکارها و برنامه های هر دو را نیز بیان کند. و به این پرسش پاسخ دهد که در پرتو استفاده رئیسی از تجربه دولت روحانی در مدیریت بحرانها، راهکارهای خود او تا چه میزان موفق خواهد بود؟

نخست: میراثی از بحرانهای پیچیده

ابراهیم رئیسی؛ رئیس جمهور تازه در حالی کار خود را آغاز می کند که با بحرانهای سختی روبرو است. او در مراسم تنفیذ به وجود این بحرانها اعتراف کرد؛ آنجا که به برخی از نشانه های بحران اقتصادی کشور اشاره کرد که از مهمترین آنها می توان به کسری بودجه، بی ثباتی بورس و بازارهای مالی، تورم افسار گسیخته ای که از ۴۴ درصد نیز فراتر رفته، گرانی و افزایش نقدینگی که از ۶۸۰ درصد نیز بیشتر شده، اشاره کرد.

هم اکنون ایران در نتیجه نابسامانی اوضاع معیشتی و کمبود شدید خدمات اساسی، با موج گسترده اعتراضات منطقه ای و اقلیت ها روبرو است. که از مهمترین آنها اعتراضات منطقه اهواز بود که مسأله تنش آبی به طور مستقیم و مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که ناشی از سیاست هایی است که به طور هدفمند علیه ساکنان این منطقه اعمال می شود، به طور غیر مستقیم در به وجود آمدن این اعتراضات نقش داشت. هم زمان با این خیزش مردمی در اهواز، موجی از اعتراضات مردمی در قطعی برق برخی از شهرهای کشور را فراگرفت. و چندین مورد تجمعات صنفی در اعتراض به شرایط کار و دستمزدها نیز توسط کارگران و پیشه وران در کشور به راه افتاد.

ریشه برخی از این بحرانها به از بین رفتن برجام بر می گردد که امریکا با خارج شدن از این توافق آن را بی معنا ساخت و نه تنها ایران را از دستاوردها و مخصوصا دستاورد اقتصادی آن محروم کرد بلکه آن را با تحریمهای تازه تری در عرصه بین المللی به انزوا راند. تحریمهای بعد از ۲۰۱۸ میلادی که صادرات نفت ایران را هدف گرفته بود، توانست این کشور را از درآمدی حدود ۱۰۰ میلیارد دلار محروم کند. همچنین این تحریمها سبب شد که دارایی های ایران در خارج بلوکه شود و به خاطر مقررات سختی که وضع شده است، امکان استفاده ایران از آن دارایی ها و یا انتقال آن به بانکهای ایرانی میسر نشده است. روحانی در آخرین گفتگوی خود در روز ۳ اوت ۲۰۲۱ میلادی به این مطلب اشاره کرد که « مهمترین مسائل دولت مذاکره و تعامل با جهان بوده است. و این تنها گزینه پیش روی ماست. و مسأله دوم هم مسأله اقتصادی است»

دوم: آخرین توصیه روحانی

روحانی در آخرین روزهای دولتش در تاریخ ۲ اوت ۲۰۲۱ میلادی در آخرین جلسه هیأت دولت بر این نکته تأکید کرد که «اعتدال و تعامل سازنده» تنها راه نجات کشور از بحران های کنونی است. روحانی با این سخنان خود رویکرد «اعتدال گرایانه» خود که از حمایت اصلاح طلبان برخوردار است را از رویکرد «تندروانه» رئیسی جدا دانست. او که هر دو دوره خود را با همین مشی سپری کرد، همچنان ایمان دارد که این روش، کارسازترین شیوه برای تحقق منافع ایران است. منظور روحانی از اعتدال و تعامل در سطح داخل، پرهیز از تندروی و کاهش

محدودیت های جامعه است. و این برخلاف نظر رئیسی است که درست در وقتی که کشور شاهد نارضایتی گسترده مردم از رژیم است و حتی پیکان خشم مردم بدنه رژیم را هدف گرفته و کشمکش ها میان جریان های داخلی علنی و هویدا شده است به گونه ای که یکپارچگی و ثبات رژیم را تهدید می کند، او بر حفظ ارزشهای انقلاب تکیه کرده و از احیای شور انقلابی سخن می گوید.

منظور از اعتدال و تعامل سازنده در سطح خارج، این است که در تعامل غرب به طور کل، و با ایالات متحده به طور خاص، همچنان روش گفتگو و دیپلماسی را حفظ کنیم. روحانی در روابط خارجی به عمل گرایی به عنوان اصلی در روابط میان کشورها، باور دارد که این روش به معنای تحقق صد در صد خواسته ها نیست چرا که دیگر طرفها نیز منافع مورد نظر خود را دارند. در واقع روحانی با این سخنان خود اتهاماتی را که خامنه ای در اواخر ماه جولای ۲۰۲۱ میلادی به دولت او وارد کرد، بی اساس خوانده است. خامنه ای گفته بود «هرجا که کارها را به غرب و گفتگو با امریکا موکول کردید، آنجا شکست خوردید. و هرجا که بدون اعتماد به غرب حرکت و تلاش کردید، موفق عمل کردید».

روحانی تأکید دارد با روشی که دولت او در پیش گرفته، کشور را از جنگی که غرب علیه ایران در نظر داشته، نجات داده و موفق شده است با مجموعه ۵ + ۱ بر سر معاهده برجام به توافق برسد. از برکت برجام بود که هفت قطعنامه بین المللی که شورای امنیت علیه ایران صادر کرده بود، اجرایی نشد. برجام همچنین به اقتصاد ایران جانی دوباره بخشید و سبب شد که در هر دو دوره روحانی، چندین طرح توسعه ای کلید بخورد و حمایت قاطع ملت از این رویکرد را به دنبال داشت. به نظر روحانی تنها گزینه ایران، مذاکره و تعامل سازنده با جهان است. روحانی بر این باور است که توسط عوامل داخلی و خارجی به دولت او اجحاف شده است. در داخل، برای ناکام ساختن برنامه های او تلاشهایی صورت گرفت و دستاوردهای داخلی دولت او برای مردم معرفی نشد. تحریمها مجددا برگشت و همه گیری کرونا مزید بر علت شد. به نظر او، حملاتی نه از روی نقد، بلکه با هدف تخریب، دولت و شخص او را نشانه رفتند. به گفته روحانی دولت او کارها را با موافقت رهبری پیش بُرد. اما در داخل، دولت او مورد حمایت قرار نگرفت. او می گوید که «رهبری به من گفتند (شما فرمانده جنگ اقتصادی هستید)

اما من فرمانده ای بودم بدون سرباز و اسلحه!». در اینجا روحانی تلاش می کند بخشی از مسئولیت وضعیت کنونی را متوجه رهبر بداند و بار دیگر این مسأله را مورد تأکید قرار دهد که او برای تصمیم گیریها اختیار کامل نداشته است.

سوم: گزینه های رئیسی و برنامه مبهم او

بر خلاف عمل گزایی روحانی، رئیسی اصل ایدئولوژی را مبنا قرار می دهد که بر اساس منافع داخلی و خارجی کشور تعریف شده است. او تأکید کرد که در سطح داخلی، برنامه دولت او ایجاد تحولی است که در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است و این بیانیه به منزله برنامه کاری دولت او خواهد بود. او در مراسم تحلیف در برابر نمایندگان مجلس شورای اسلامی به ویژگیهای دولت خود پرداخت و در مورد ویژگیهای سیاسی دولت خود هم اشاره ای داشت به اینکه سیاست فشار و قهر نمی تواند ایران را از دنبال کردن حقوق خود باز دارد بنابراین طرفهای غربی باید به سیاست قهر خود پایان دهند و او از هر راهکار دیپلماتیک در این راستا استقبال می کند. او با اشاره به اینکه دشمنان ایران علیه کشور فعالیت می کنند، تلاش کرد به همه جهانیان در مورد برنامه هسته ای ایران اطمینان بدهد. او گفت که برنامه هسته ای ایران کاملاً «صلح آمیز» است و مثل همیشه گفت که بنا به فتوای رهبری، ساخت سلاح هسته ای حرام است. او در جمع چهره های به اصطلاح «مقاومت» که مورد حمایت ایران است، تأکید کرد که کشورش در مقابل قدرتهای استکباری و ستمگر می ایستد و به حمایت خود از ملت فلسطین ادامه می دهد و همچنان فریاد مستضعفان خواهد بود. این قسمت از سخنان رئیسی به این معناست که رژیم ایران طرح توسعه طلبانه و اندیشه صدور انقلاب را همچنان ادامه خواهد داد. و اینکه صندلی های شخصیت های «مقاومت» در ردیف اول قرار داشت به معنای تأکید بر ادامه روش تنش زایی و بسیج شبه نظامیان و حمایت این کشور از گروههای شبه نظامی در کشورهای منطقه است.

او برای خوشایند مخاطب غربی و شاید هم برای اینکه خود را از اتهاماتی نظیر نقض حقوق بشر در اوایل کار او در قوه قضائیه تبرئه کند، گفت که دولت او برای تعامل سازنده با کشورهای جهان و نیز دفاع از حقوق بشر تلاش خواهد کرد.

رئیزی در خصوص پایان دادن به بحرانهای منطقه ای گفت که راه حل این است که به دخالت های خارجی ها پایان داده شود؛ چرا که این دخالت ها خود مشکل است. او گفت که ایران دست دوستی به سوی کشورهای منطقه دراز کرده و « دست آنان را به گرمی می فشارد». او همچنین در مورد قدرت ایران، حرف های همیشگی مسئولان رژیم را تکرار کرد و گفت: « قدرت ایران موجب تأمین امنیت در منطقه و سد محکمی در برابر استکبار است» گویی او با این سخن خود نقش کشورهای منطقه در تأمین امنیت منطقه را کم رنگ خواند. و شاید هم طبق تعریف رئیزی کشورهای منطقه در شمار کسانی است که او از آنها به عنوان استکبار یاد کرد. از طرف دیگر، این بخش از صحبت او با سخن قبلی اش که گفت دست دوستی به سوی کشورهای منطقه دراز می کند، در تضاد است.

او در سخنان تناقض گونه ای گفت که جهان همواره در حال تغییر است و تأمین منافع ملت ها در جهان جدید بر تعامل راهبردی با قدرت های نوپا بستگی دارد. و یک سیاست خارجی موفق، سیاستی است که متوازن باشد. در عین حال او همچنان بر نگاه سنتی ایران تأکید داشت که جهان به تلاشهای خصمانه خود علیه ایران ادامه می دهد. این سخن به نوبه خود به معنای محکوم کردن است. به گفته رئیزی، جهان همواره در حال تغییر است. اما گویا این تغییر شامل ایران نمی شود! زیرا رئیزی به ضرورت در پیش گرفتن رهیافت های دیپلماتیک صلح جویانه با جهان اشاره ای نداشت.

او در مورد اوضاع داخلی، دستاوردهای کشور را در آنچه که او « مسیر دموکراسی دینی» خواند، ستود. و بار دیگر مشکلات کشور را حاصل تبلیغات بی رحمانه دشمنان و همه گیری کرونا دانست. او گفت که دولت آینده بر اساس شفافیت و عدالت و طبق برنامه کار خود را پیش خواهد برد. اما باید گفت که این حرفها در میان ملتی که فساد و سوء مدیریت و سیاست رژیم که تمام توجه خود را به طرحهای توسعه طلبانه معطوف داشته و از حال مردم خود غافل مانده، چندان خریداری نخواهد داشت.

اما در مورد اقتصاد، همانطور که انتظار می رفت، او وعده داد تا جایکه ممکن است شفاف سازی کند. از نظر او اقتصاد باید در مقابل آسیب ها مقاوم باشد. او همچنین وعده داد که برای مهار تورم و گرانی و نیز برای ارزش پول ملی تلاش

خواهد کرد. اما باید گفت اوضاع این روزگار که دوران ریاست جمهوری او در آن قرار گرفته، و مخصوصاً رهیافت های کنونی او در قبال جامعه بین الملل، نوید تحقق این وعده ها را در دنیای واقعی نمی دهد.

علی رغم این صحبت های رئیسی در مورد دولتش که اکثراً هم تکراری بود، می توان گفت که او تا هنوز هم برنامه مشخصی ارائه نداده است. در تبلیغات انتخاباتی اش او بجز در مورد چند طرح اجتماعی از سپردن وعده های مشخصی در حوزه های اقتصادی، دیپلماسی و اجتماعی، طفره رفت. و در صحبت ها و سخنرانی های او وعده های کلی که قابل سنجش و قیاس نیستند مطرح شد. او بدون اینکه خودش برنامه مشخصی برای برون رفت از وضعیت موجود ارائه دهد، تنها به انتقاد از وضعیت موجود پرداخت. و بدین سان او هم در همان مسیری گام نهاد که «جریان تندرو» برای کنار زدن اصلاح طلبان از قدرت و مراکز تصمیم سازی، حکومت روحانی را آماج حملات و اتهامات خود قرار داده بود. واضح است که رئیسی آمده است تا روحیه و اقتدار انقلاب را احیا کند، گفتمان اصیل و اصول ثابت انقلاب را تقویت نماید و به «جریان تندرو» قدرت دهد. او می خواهد از ارزش های فرهنگی جامعه صیانت کند و پروژه فرامرزی ایران را تداوم بخشد. اما برخی گمانه زنی ها حکایت از این دارد که مأموریت او بسی فراتر و حساس تر از این مسائل است و آن چیزی نیست جز اینکه فضا را برای انتقال آرام منصب رهبری بعد از فوت خامنه ای مدیریت کند به گونه ای که استمرار ولایت فقیه در رأس حکومت ایران را بیمه کند.

در زمینه سیاست خارجی، رئیسی بر گفتمان هویت در تعامل ایران با غرب و ایالات متحده تأکید داشت. و پیداست که این رهیافت بر موضع تندروانه رئیسی نسبت به مذاکرات و نسبت به برخی مسائل اختلافی همچون رفتار منطقه ای ایران و برنامه موشک های بالستیک ایران تأثیر گذار است. در نتیجه، او به اصل دشمنی و یا عدم اعتماد به غرب و ایالات متحده باورمند است. او در این زمینه تأکید دارد که تلاش برای بهبود اوضاع داخلی را به اراده و خواست غرب و ایالات متحده گره نخواهد زد. و راه لغو تحریمها را هم در بی اثر ساختن آن می داند؛ نه لغو تحریمها با گفتگو و دیپلماسی.

از آنچه بیان شد، چنین برداشت می شود که رئیسی نه تنها تلاش می کند به

موضع رهبری پایبند باشد بلکه از موضع رهبری در مقابل گوشه و کنایه هایی که روحانی در سخنرانی اخیر خود داشت، نیز دفاع می کند. رهبر، برای سیاست رژیم در مورد مذاکرات خطوط عریض و طویلی وضع کرد و تأکید کرد که «تجربه دولت روحانی ثابت کرد که نباید به غرب اعتماد کرد و باید از این تجربه درس گرفت». او همچنین در ترسیم خط دولت آینده گفت: «نبايد برنامه های داخلی را به همراهی غرب گره زد که یقیناً کارها را به شکست می کشاند». رئیسی نیز در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری خود که در حسینیه امام خمینی در تهران برگزار شد، بر همین مسأله تأکید داشت. او گفت که بهبود شرایط اقتصادی کشور را به «اراده بیگانگان» گره نخواهد زد. او گفت: «طبیعتاً ما برای رفع تحریمهای ظالمانه تلاش خواهیم کرد. اما شرایط زندگی مردم را به خواست و اراده بیگانگان گره نخواهیم زد». انتشار یک فایل ویدیویی مربوط به قبل از سال ۲۰۱۵ میلادی حاوی جر و بحث بین رهبر و رفسنجانی، توسط وبسایت رسمی رهبر و صدا و سیماي ایران، این گمانه زنی ها را تقویت کرد که خامنه ای در صدد است به مذاکرات غیر مستقیم با ایالات متحده در وین پایان دهد؛ به ویژه اینکه خامنه ای در مراسم تنفیذ رئیسی بر این نکته تأکید کرد که حل مشکلات گوناگون کشور زمانبر است. از اینجا فهمیده می شود که از نظر خامنه ای گفتگوها برای احیای برجام به این زودی ها نتیجه نخواهد داد.

چهارم: فرصت های موفقیت دولت رئیسی

در حالیکه دولت روحانی در اجرای برنامه های خود با محدودیت های بسیاری روبرو بود و همانطور که او در آخرین صحبت های خود گفت: او فرمانده ای بوده که نه سربازی داشته و نه سلاحی. و رسانه ها نیز در مقابل دولت او قرار داشتند و اینکه رهبر در جریان تمام سیاست ها و تصمیمات دولت قرار داشت، نشان از این امر دارد که رهبر بیش از آنکه حامی دولت روحانی باشد، یک مانع بر سر راه آنها بوده است. این در حالیست که رئیسی از حمایت تمام قد رهبری برخوردار است و در نتیجه، حمایت همه قوا، نهادها و همچنین رسانه را با خود دارد. رهبر در مراسم تنفیذ از او دفاع کرد و گفت که ابراهیم رئیسی پایگاه مردمی و نیز تجربه طولانی در مدیریت دارد. او از کارکرد رئیسی در قوه قضائیه ابراز رضایت کرد و گفت: «آقای رئیسی کارنامه درخشانی در مدیریت دارد». خامنه ای برای توجیه

استقبال کم رنگ مردم از انتخاباتی که حاصل آن رئیسی بوده است، از طرفهایی که انتخابات را تحریم کرده اند، انتقاد کرد و ادعا کرد که تحریم انتخابات در اتاق های فکر دشمنان ایران طرح ریزی شده بود. او گفت که ملت با هوشیاری این توطئه را خنثی کرد. او همچنین گفت که «دشمنان» تلاش دارند افکار عمومی ایران را تغییر دهند.

این نوع حمایت خامنه ای از رئیسی نشان می دهد که رئیسی در اجرای برنامه های داخلی خود با مانعی روبرو نخواهد شد. و اکنون که «تندروها» همه مراکز قدرت را در اختیار گرفته اند، بهترین فرصت فراهم آمده تا میان ارگانها و نهادهای منتخب و غیر منتخب در مورد تعیین سیاست های رژیم، اجماع صورت گیرد.

اما واقعیت این است که رویکرد ارتجاعی رئیسی در جامعه ایران که از زمان انقلاب تا کنون تغییرات زیادی به خود دیده و می رود تا به یک جامعه مدرن تبدیل شود، چندان خریداری ندارد. و علی رغم اینکه رئیسی از سیاست های تغییر دم می زند اما منظور او بازگشت به گذشته است نه حرکت به سوی آینده. رئیسی قبلا گفته بود که دولت او مردمی و پایبند به اصول انقلاب اسلامی و خط خمینی خواهد بود. از این سخن چنین فهمیده می شود که او در سیاست داخلی ایران هیچ تغییر اساسی ایجاد نخواهد کرد و او مطیع و فرمانبردار رهبر خواهد بود و رفتارهای رؤسای جمهور پیشین در تخطی از مشی رهبری را تکرار نخواهد کرد.

اکنون که مجلس در صدد تصویب قانونی برای وضع محدودیت ها بر اینترنت است، رئیسی که می خواهد از جامعه و ارزشهای انقلابی آن صیانت کند، در مقابل این نوع اقدامات و امثال آن کوچکترین مخالفتی از خود نشان نخواهد داد. و سیاست های اقتصادی پوپولیستی به بهانه اقتصاد مقاومتی برای حل بحرانهای اقتصادی کنونی، هیچ دردی از مشکلات مملکت و مردم دوا نمی کند؛ زیرا تنها راه چاره برای حل نیازهای اساسی مردم، دسترسی به منابع مالی است. در بخش روابط بین الملل نیز باید گفت که نگاه ایدئولوژیک به این مسأله می تواند روند مذاکرات را با مشکل روبرو کند. و احتمال درگیر شدن با غرب و ایالات متحده نیز وجود دارد. مسیر بازگشت مجانی به برجام و دست یافتن به همان دستاوردهایی که دولت حسن روحانی کسب کرده بود، دور از دسترس می نماید.

زیرا امریکا برای احیای برجام شروط سختی تعیین کرده است که پذیرش آن برای دولت رئیسی به معنای نوشیدن جام زهر است. و بازگشت به برجام طعم تلخ شکست را دارد؛ بویژه اینکه مجلس ایران سیاست تندروانه ای در مورد فعالیت های هسته ای اتخاذ کرد و اقدامات دولت حسن روحانی در این عرصه را محدود ساخت. اگر مجلس برای اینکه امتیاز امضای توافق هسته ای به رئیسی برسد، از این سیاست ها کوتاه بیاید، آنگاه هم اعتبار مجلس و هم اعتبار رئیسی لطمه خواهد خورد.

با توجه به رویکرد رژیم ایران و مواضع سرسختانه اش در دنبال کردن اهداف و سیاست های رژیم، موضع ابراهیم رئیسی نیز در مورد دو مسأله رفتار منطقه ای ایران و پرونده موشکی این کشور که دولت امریکا تلاش دارد آن را در برجام بگنجانند، قطعا یک موضع مخالف خواهد بود؛ چرا که این دو مسأله از اهداف اساسی رژیم و مخصوصا سپاه پاسداران است. و به احتمال زیاد سیاست مداخله جویانه ایران در امور داخلی کشورهای منطقه نیز ادامه خواهد یافت. رئیسی در اولین کنفرانس خبری بعد از پیروزی در انتخابات به همین مطلب اشاره کرد و گفت که مردم در این انتخابات به ادامه راه خمینی و راه قاسم سلیمانی رأی دادند. او همچنین صراحتا تأکید کرد که مسائل منطقه ای و موشکی ایران «قابل مذاکره» نیست که این نوع موضع گیری با صحبت های او در تضاد است که گفته بود دولت او برای بهبود روابط با کشورهای منطقه تلاش خواهد کرد.

ماجرای جویی ایران در حمله به یک کشتی اسرائیلی در دریای عمان در تاریخ ۳ اوت ۲۰۲۱ میلادی، و واکنش های بین المللی به این حادثه، از یک سو تعامل جامعه بین المللی با ایران را پیچیده تر ساخت و از سوی دیگر نشان داد که سپاه پاسداران همچنان سرسختانه تلاش می کند با استفاده از هر فرصتی قدرت چانه زنی ایران در مقابل جامعه بین المللی را بالا ببرد و این رفتارها می تواند دست یابی به توافق هسته ای در کوتاه مدت را با مشکلاتی روبرو کند.

اگر رئیسی به گفتمان تندروانه چنگ بزند و به بلندپروازی ها و ماجراجویی های سپاه پاسداران میدان دهد، قطعا مذاکرات هسته ای بی نتیجه خواهد ماند که در اینصورت اوضاع داخلی دچار بی ثباتی خواهد شد و این وضعیت به نوبه خود فضای آرام مورد نیاز برای انتقال قدرت به رهبر بعدی را به تنش می کشاند و

همچنین رئیسی را در انجام مأموریت احیای میراث انقلاب با مشکل مواجه می کند. و خامنه ای که در مسائل هسته ای و منطقه ای حرف آخر را می زند، باید هزینه گزینۀ هایش را نیز پردازد. یعنی اگر خامنه ای شروط امریکاییها برای احیای برجام را قبول کند، به اعتبارش صدمه خواهد زد و اگر سر سختی به خرج داده و همچنان گزینۀ مقاومت و تقابل را ادامه دهد، آنگاه باید پیامد های اقتصادی و اجتماعی و همچنین آشوب های داخلی احتمالی را نیز باید به جان بخرد.

علی رغم اینکه ایران چنین وانمود می کند که در مسأله گفتگو با کشورهای ۵ + ۱ به هیچ عنوان تسلیم فشارها نخواهد شد، اما اگر تمام راهها را به روی خود بسته ببیند و کاری هم از روسیه و چین ساخته نباشد جز اینکه ایران با قدرت های بزرگ جهان کنار بیاید، قطعاً برای توجیه پذیرش تنها گزینۀ ممکن در نمی ماند. اما این احتمال وجود دارد که تهران به امید اینکه وضعیتی به وجود آید که بتواند با برهم زدن اجماع جهانی، موضع امریکا را در مذاکرات تضعیف کند، مذاکرات را به درازا بکشد.

اکنون فرصت مناسب است که از فشارهای تبلیغاتی رسانه ای و روشهای دیپلماتیک برای مقابله با برنامه هسته ای ایران و رفتار منطقه ای و خطر موشک های دوربرد این کشور بر امنیت منطقه ای و بین المللی به کار گرفته شود. و در این زمینه به ماجراجویی های ایران نظیر حمله به کشتی ها که کشتیرانی بین المللی را تهدید می کند و استفاده این کشور از تجهیزات موشکی و پهبادی برای تهدید کشورهای همجوار و امنیت انرژی جهان، استناد شود.

با اینکه روند گفتگوهای وین طبق رویکردها و رهیافت های رهبر و شورای امنیت ملی تعیین می گردد، اما انتظار می رود که سیاست دولت تازه ایران در تعامل با مسائل بین الملل تفاوت چندانی با سیاست دولت قبلی نداشته باشد. و از آنجا که دولت همان رویکردهای رهبری را دنبال می کند، اگر یک فشار قدرتمندی رفتار دولت را تعدیل نکند، انتظار می رود که دولت جدید ایران موضع سرسختانه تری در تعامل با جهان در پیش بگیرد که این امر می تواند فوران آتشفشان خشم مردمی که رژیم از آن هراس دارد، را نیز به دنبال داشته باشد.

نتیجه گیری

می توان گفت با اینکه گفتمان روحانی و رئیسی هر دو از دل رژیم برآمده و قدرت در ایران با نظر و نظارت رهبری میان دو جناح دست به دست می شود، اما واقعیت این است که هر کدام از این گفتمان ها رویکردها و دیدگاههای متفاوتی را دارند. و در این شرایط که رهبری موفق شده یکی از دیدگاهها که معتدل تر و تعامل گراتر بود را از صحنه قدرت و تصمیم گیری کنار بزند، نگاهها در داخل و خارج ایران به جریان تندرو رئیسی دوخته شده است تا بنگرند که او چه مسیری برای کشور ترسیم می کند. این در حالیست که رئیسی سر دو راهی قرار گرفته است که گام نهادن در هر کدام از دیگری سخت تر به نظر می رسد؛ یا اینکه از موضع سرسختانه جمهوری اسلامی کوتاه آمده و به خواسته های غربیها تن دهد و یا اینکه فشار کمرشکن تحریمها و انزوای بین المللی را تحمل کند که در اینصورت همان سرنوشت دولت روحانی را خواهد داشت.



RASANAH
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute för Iranian Studies

